



شهر بانو

شهر بانو

۲۳ شنبه
۳۱ خرداد ۱۴۰۰
۱۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ شماره ۲۳۱۲

(۲)

کلثوم رجبی
نفر اول بخش بین‌الملل یازدهمین جشنواره دل‌نوشته به امام رضا (ع)
(فروغ)

بی‌نام و نشانیم ای حضرت پدر!

دستم را بگیر و با من تاتی تاتی کن.
دستم را بگیر و قدم‌هایت را با قدم‌هایم
تنظیم کن و بگو راست چپ راست چپ.
آه! چه لذتی دارد راه رفتن با قدم‌های تو،
وقتی گام‌هایم هماهنگ با گام‌های تو
باشد! بابایی، پاهایم ناتوان است و زود
خسته می‌شود. صبر کن. خیلی ناتوانم
و فقط دست‌های شفا بخش تو است که
آن را قوی می‌کند.

آقا جان! یک وقت خسته نشوی! من
دختر نازک نارنجی شما هستم. چنان
پرده دلم نازک است که با دست نه، که با
نگاه نامهربانانه او هم می‌گسلد. آه! دل
که نیست. پرده‌ای از جنس حریر است،
نازک نازک!

ای حضرت پدر! فقط تو می‌توانی با
دست‌های پر از لطف امید و مهربان و
نوازشگر به این پرده دل دستی بکشی
و معجزه بسازی که بتواند در برابر
طوفان‌های زندگی.

عزیز دل! جانم فدایت! دست بکش بر
دلم که دستان مسیحایی تو چه‌ها که
نمی‌کند. دست بکش و جان دیگر بخش
و تار و پودش را از جنس فولاد تا بتواند
سنگینی دنیا را تحمل کند.

بابای خوب! امیدم به چشم‌هایت است.
چشم‌هایم چشم‌های تو را می‌خواهد.
با نگاهت مرا به خانه دل بردی. عجب
دلی! وصف‌ناپذیر، پر نعمت و فرح بخش،
سراسر آرامش و صفا. آه! چه جای خوبی!
صدای شرشر آب روان است و صدای
بلبلان خوش‌آواز به گوش می‌رسد،
فرح بخش، و گل‌های چشم‌نواز و درخت
پر نعمت و ثمر بخش. دلم نمی‌خواهد
بیرون روم. اینجا بهشت است. کجا روم
از این بهشت؟ جایی که شیطان وجود
ندارد تا گولم زند و وعده جاودانگی ام
دهد. من که زنده به توام، من که در
سرای توام و در بطن جاودانگی هستم و
وجودم از وجود حضرت جاودان و متصل
به اوست. پس نران از بهشت زیبا که
تمام خوبی‌ها در آن است.

سلام بابایی! بابای عزیزم،
جانم به فدایت که وجودم به
وجود تو است! سال ۵۷ پا به عرصه گیتی
گذاشتم از پدری مهربان و فداکار،
پدری دلسوز و باایمان که خدایش
بیامرزاد و مادری دوست‌داشتنی و صبور
که خداوند حفظش کند.
امروز مورخ سی‌ام آبان ۹۹ می‌خواهم بار
دیگر متولد شوم، تولدی از پدر معنوی،
امید اینکه من را به فرزندی قبول کند و
من را به رشد و کمال برساند.

بی‌نام و نشانیم یا ضامن آهو
بی‌شوکت و شانیم یا ضامن آهو
آقا جانم! ای پدر مهربان و رؤف! چشمم
را باز می‌کنم و به چشمان پرمهرت
می‌دوزم و لبخند ملیحی بر چهره دارم.
بنگر، دختر کوچولویت را بنگر! تازه به
دنیا پی پریها هو وارد شده است. پدر
می‌خواهد. دستش را بگیر، دست‌های
کوچک و ناتوانش را.

مهربانا! ای همه چیزم! ای همه کسم!
ای که وجودم بسته به وجود تو است!
اگر نباشی، نیستم، عدمم، محوم،
هیچم. پس کنارم بمان و پدری کن.
این دخترک را سخن گفتن بیاموز و راه و
رسم و زندگی.

فقیر آمدم و دل شکسته پرسیدم
مگر که شاه خراسان گدا نمی‌خواهد
هیچ ندارم. خالی‌ام. در کنارم بمان
و گر نه مرگم حتمی است. به نگاه
مهربانانه‌ات سخت محتاجم. چشم در
چشم بدوز، چشمی که لبخند مهربانی
بشود در آن دید. چشم‌ت و نگاهت را
ارزانی ده که سخت محتاجم. لب‌های
زیبایت را تکانی ده و «الف» زندگی را
بسرای و زندگی را برایم هجی کن که من
سخن گفتن ندانم. هجی کن که درست
تلفظ کنم. بیا نزدیک‌تر که گوش‌هایم
نارس است تا به خاطر بسپارم.

آقا جان! پاهایم ناتوان است. دستم را
بگیر و مرا بلند کن تا روی دو پای نحیفم
بایستم. زمین سخت و ناهموار است.

دکتر محمدحسین ساجدی‌نیا
دبیر اندیشکده معنویت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
(پرتو)

نقش تربیتی مادران از نظرگاه اهل بیت (ع)

تعلیم و تربیت پیچیده‌ترین، دشوارترین و اثرگذارترین فعالیت بشری است که آینده فرد و جامعه را رقم می‌زند و شعاع اثرگذاری آن را نمی‌توان با شاخص‌های مادی محاسبه کرد. خداوند اولین مربی و معلم خلقت است و اوست که هنگام آفریدن انسان به خود آفرین گفت. انسان یگانه مخلوق خداوند است که ریشه در خاک و سر بر افلاک دارد. او قادر است مسیر فرش تا عرش را با هدايت وحی و عقل و مربیانی از جنس خالق حکیم پیماید، مربیانی که جلوه‌ای از خدا باشند و در امور مربیگری به او اقتدا کنند. با چنین نگاهی است که قرآن مجید فلسفه اصلی بعثت پیامبران را تعلیم و تربیت ذکر کرده و رسول خاتم حضرت محمد (ص) نیز می‌فرماید: اینی بعثت معلما؛ من برای تعلیم و تربیت مبعوث شده‌ام. تعلیم و تربیت، کاری بس سترگ و سنگین است که اولین صفحه برنامه پیامبران و اولیای الهی به آن زینت داده شده است. چگونگی رویارویی پیامبر خاتم (ص) و امامان معصوم (ع) با کودکان، نشان از عمق عشق و علاقه آن بزرگواران به آنان بود. در منظومه تربیتی اهل بیت (ع)، به ساحت‌های مختلف، زیستی، عقلانی، عاطفی، روانی و معنوی توجه شده است. آنان تربیت را به منزله شجره طیبه‌ای می‌دانستند که شاخه‌های طوبی مانند و موزون آن بر همه زوایای زندگی سایه انداخته است. اصولا فعالیت تربیتی نیازمند شناخت طبیعت و سرشت کودک است. ژان ژاک روسو، از صاحب‌نظران برجسته تعلیم و تربیت، می‌گوید: تعلیم و تربیت باید معطوف به طبیعت کودک باشد. از نظرایشان کودک را باید کودک نگریست و با کودکان متناسب با سن و سال آنان رفتار کرد. به عقیده وی اگر نقشه طبیعت کودکان را دست کاری کنیم، میوه‌های زودرسی را برداشت خواهیم کرد که هیچ طعم و مزه‌ای ندارد. از نظر این فیلسوف نامدار فرانسوی، آموزش و پرورش باید امکان رشد طبیعی کودکان را فراهم کند. پستالوزی، یکی دیگر از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، می‌گوید: تنها راه نجات از بلایای اجتماعی را باید در تعلیم و تربیت جست‌وجو کرد. جلب اعتماد لازمه آموزش و ایجاد اعتماد مستلزم تأمین نیازهای فیزیکی و روانی کودک است. همه چیز از عشق سرچشمه می‌گیرد و اولین هدف تربیت این است که کودکان را با عاطفه، عادل، مهربان و پذیرا تربیت کنیم. از نظر ایشان مادر نقش مهمی در تربیت فرزند دارد، همان گونه که او اولین غذای مادی را به کودک می‌دهد، اولین تغذیه روحی و معنوی را نیز به او هدیه می‌دهد. آغوش گرم مادر و نغمه‌های لالایی او جان مایه حیات و رشد کودک است. واقعیت این است که تربیت نه تنها قبل از تولد آغاز می‌شود بلکه آن گاه که دختر و پسر که دوران طفولیت خود را می‌گذرانند، باید برای نقش مادری و پدری‌ای که در آینده به عهده خواهند گرفت آماده شوند. مطالعات انجام‌شده روی جنین مؤید این حقیقت است که همه حالات و روحیات مادر اعم از خوشحالی و اندوه به او منتقل می‌شود. مادر اولین تجربه و احساس نوزاد در این جهان مادی است که آغوش محبت او را تنها آرام بخش خود می‌داند و اولین بار با او همانندی می‌کند و به تدریج باور می‌کند که او بهترین و مهربان‌ترین گوهر آفرینش است که می‌شود به او اعتماد داشت و در همه زمینه‌ها به او اقتدا کرد. آگاهی مادران از آموزه‌های تربیتی مکتب نبوی و علوی و به کارگیری دستاوردهای آن در حوزه فرزندآوری و فرزندپروری، گام بلندی در دستیابی به اهداف بلند تربیت دینی و معنوی است. منظومه تربیتی اهل بیت برگرفته از مبانی و حیانی و عقلانی و مطابق با نقشه فطرت و طبیعت کودک است. بر همین اساس، الهام گرفتن مادران از الگوی تربیتی بزرگواران زمینه‌ساز تحکیم و تعالی نهاد خانواده و صیانت از کرامت و شرافت فرد و جامعه است.

